



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

سب و لعن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سب و لعن

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	سب و لعن
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۷	سب و لعن از بعد اخلاقی و تربیتی
۷	مقدمه
۸	اما بررسی بعد اخلاقی مسأله سب و لعن
۸	سب و ناسزا از دیدگاه قرآن و سنت
۸	اشاره
۹	بررسی چند روایت در زمینه سب
۹	حکم سب خدا و پیامبر و امامان معصوم
۱۰	لعن و نفرین از دیدگاه قرآن و سنت
۱۱	نظر فقهاء فریقین نسبت به سب و لعن
۱۱	اشاره
۱۱	آیا سب و لعن مسلمان بالاحص صحابه موجب فسق و کفر می‌شود
۱۲	آیا لعن معاویه و یزید جایز است
۱۲	اشاره
۱۳	آیات و روایات داله بر لعن معاویه و یزید
۱۳	اما روایات رسیده در باب لعن و نفرین معاویه
۱۴	آیا لعن بعضی از صحابه از جمله شیخین جائز است
۱۵	نتیجه و خلاصه بحث
۱۶	نفرین شدگان در قرآن کریم
۱۷	نفرین شدگان توسط پیامبر اکرم

۱۸ پاورقی

۱۸ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

سب و لعن

مشخصات کتاب

مقدمه

موضوع سب و لعن از مسائل نخستین در جهان اسلام بلکه در عالم بشری و مورد ابتلای جوامع مسلمان و غیرمسلمان می‌باشد، و ابعاد اخلاقی، اجتماعی، سیاسی وسیع دارد، و جنبه‌های روانی و تبلیغاتی آن چشمگیر و قابل بحث و بررسی فراوان می‌باشد. پس این موضوع از تاریخچه و قدمت طولانی برخوردار است و چنانچه خاطر نشان خواهیم نمود این موضوع حداقل در درون جامعه اسلامی و در برخورد با پیروان مذاهب و مسالک مختلف مطرح و مورد ابتلاء بوده و هست. مسئله مهمی که در اینجا مطرح خواهد شد این است که متأسفانه موضوع سب و لعن کاملاً تفکیک نشده و در مواردی خلط مبحث شده بطوری که عده‌ای با حسن نیت لعن و ناسزا را هر دو فی حد نفسه عملی ممنوع می‌انگارند، در صورتی که این دو باهم متفاوتند هم در مفهوم و هم در حکم و هر کدام مصادیق متفاوت دارند، سب و ناسزا مطلقاً ممنوع است حتی به دشمن بدخواه و کافر. چنانکه قرآن تصریح دارد، و اما لعن در مواردی مجاز است و موارد مجاز و عدم جواز آن در قرآن و سنت به تصریح آمده. و هدف و محور اصلی بحث ما در این رساله و جزوه همین مطلب است که با ادله فقهی و نقلی سب و فحش را نفی نموده و شیعه را از آن مبرا کنیم و در مقابل با ادله از قرآن و سنت و فتاوی فقهاء به موارد جواز و عدم جواز لعن و نفرین پردازیم. بنابراین جا دارد که سب و لعن را از دیدگاه لغوی و اخلاقی و تاریخی و روایی و قرآنی و فقهی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم و به تفاوت معنوی و حکمی بین آنها توجه کنیم و به ذکر موارد و مصادیق هر کدام پردازیم، باشد که با روشن شدن حقیقت جواب محکم و قاطعی به یاوه‌گویان و کسانی که شیعه را متهم به ناسزاگویی به صحابه می‌نمایند داده باشیم. و چون این نوشته در حد یک رساله و بنابر ایجاز و اختصار می‌باشد، ما بحث خود را در چند محور متمرکز می‌نمائیم و در ضمن به صورت اجمال به بحث در مورد فروع هر کدام از این مسائل می‌پردازیم: ۱- سب و لعن از بعد اخلاقی و تربیتی ۲- سب و ناسزا از دیدگاه قرآن و سنت - حکم سب خدا و پیامبر و امامان معصوم ۳- لعن و نفرین از دیدگاه قرآن و سنت ۴- نظر فقهاء فریقین نسبت به سب و لعن - آیا سب و شتم مسلمان بخصوص صحابه موجب فسق و کفر است؟ - آیا لعن معاویه و پسرش یزید جائز است؟ - آیا لعن بعضی از صحابه از جمله شیخین جائز است؟ - نتیجه و خلاصه بحث. - نفرین شدگان توسط قرآن کریم کدامند؟ - نفرین شدگان توسط پیامبر اکرم (ص) کدامند؟

سب و لعن از بعد اخلاقی و تربیتی

مقدمه

به تعریف سب و لعن می‌پردازیم. غزالی سب را اینطور تعریف می‌کند که: سب عبارت است از گفتن چیزهای زشت با جمله‌های صریح و بی پرده و بدون کنایه و رمز، و بیشتر درباره عمل جنسی و آنچه بدان مربوط می‌شود می‌آید [۱] اما واژه‌های دیگر: فحش، هر سخن و عمل زشت را گویند [۲] هجاء و هجو ضد مدح و ثنا را گویند پس آن مترادف ذمّ است و برخی گفته‌اند هجاء ذکر معایب و کاستی‌ها و بازگو کردن زشتی هاست با شعر «کلام منظوم» هزه و استهزاء همان ریشخند است [۳] و بالاخره لعن عبارت است از: طرد و دور کردن و نفرین و دعای بد. و برخی گفته‌اند: لعن از جانب خدا در آخرت کیفر و عقوبت است و در دنیا انقطاع از رحمت الهی و عدم موفقیت می‌باشد. و لعن از زبان اسانی نسبت به انسان دیگر، نفرین است [۴] و برخی گفته‌اند: لعن از جانب خدا به معنای طرد و دور گرداندن و راندن است و از سوی مردم به معنای شتم و سب و ناسزا می‌باشد. شیخ انصاری در معنی و

مفهوم سب به عرف ارجاع نموده.

اما بررسی بعد اخلاقی مسأله سب و لعن

دشنام و ناسزا گویی و لعن و نفرین یکی از آفات زبان است که متأسفانه در جوامع اسلامی رایج است و در نکوهش آن علمای اخلاق از فریقین افاداتی دارند که به آنها می‌پردازیم: غزالی در نکوهش سب و لعن می‌نویسد: فحش و سب نکوهیده‌اند و از خبث نفس ناشی می‌شوند رسول خدا(ص) فرمود: «أَنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ الْفَاحِشَ الْمَتَفَحِّشَ الصِّيَّاحَ فِي الْأَسْوَاقِ» یعنی: خداوند دوست نمی‌دارد فحش دهنده بسیار دشنام گوی را که در بازارها عربده و فریاد می‌کشد. درباره ضد اخلاقی و اسلامی بودن لعن و نفرین، غزالی می‌نویسد: لعن و نفرین یا برای جهاد است و یا برای حیوان یا انسان. و همه آنها نکوهیده است پیامبر فرمود «المؤمن ليس بلعان» یعنی: مؤمن بسیار نفرین کننده نیست [۵] و صفات مقتضی لعن و نفرین سه چیز است: کفر، بدعت و فسق و در هر سه مورد به سه صورت قابل تحقق است اول لعن به صفت کلی مثل لعنت خدا بر کافران، فاسقان و بدعتگذاران. حرم لعن و نفرین با وصف خصوصی مثل لعنت بر یهود، نصاری، مجوس و خوارج. سوم لعن شخصی مثلاً بگوید لعنت بر یزید... غزالی می‌گوید در مورد نخست مجازات کنید. سومی خطرناک می‌باشد و جز در مورد اشخاصی که یقیناً کافر و بی توبه مرده‌اند مثل ابوجهل و فرعون که لعن شخص آنها شرعاً ثابت است در بقیه موارد باید از لعن شخصی اجتناب کرد. غزالی در ادامه بحث با طرح چند سؤال و جواب درباره لعن یزید و قاتل امام حسین مطالبی دارد که در بخش دیگر این رساله به بحث و بررسی آن می‌پردازیم. موسی مهدی نراقی هم گاهی با آوردن عین عبارات غزالی و فیض به بحث پرداخته می‌نویسد: شکی نیست که سب و فحش از کارهای نکوهیده در شریعت اسلامی است و موجب حبط اعمال و خسران مال می‌شود و از مصادیق اذیت و آزار و ضرر می‌باشد که عقلاً و شرعاً مذموم و ناپسند است. پیامبر فرمود: «لَاتَسْبُوا النَّاسَ فَتَكْسِبُوا الْعَدَاوَةَ مِنْهُمْ» یعنی: به مردم فحش و ناسزا نگوئید که از آنان عداوت و دشمنی خواهید دید [۶] البته کاملاً واضح است که سب و لعن مؤمن حرام است. ولی درباره غیر مؤمن «فاسق، فاجر و کافر و ظالم» جائز بلکه بخصوص لعن آنان مستحب و طاعت و عبادت می‌باشد چنانکه در دعاهای مأثور و نیز در خود قرآن کریم افراد ظالم مورد لعن و نفرین قرار گرفته‌اند و ما در بخش بعدی این رساله به موارد جواز و عدم جواز لعن می‌پردازیم. انشاءالله

سب و ناسزا از دیدگاه قرآن و سنت

اشاره

قرآن در مورد سب و دشنام کفار می‌فرماید: «وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا عَدُوًّا بِغَيْرِ عِلْمٍ» [۷]. یعنی: کسانی را که جز خدا را می‌خوانند و می‌پرستند، دشنام و ناسزا مگویید چون ممکن است آنها نیز خدا را از روی جهالت و نادانی فحش و ناسزا می‌گویند. امام فخر رازی می‌نویسد: بعید نیست، برخی از یاران محمد(ص) از گزافه گویی مشرکان به تنگ آمده و از روی خشم و معارضه، بت‌ها را ناسزا می‌گفته‌اند و خداوند متعال مؤمنان را از این کار بازداشت چون شتم و ناسزاگویی به بت‌ها، مشرکان را عصبانی می‌کرد و آنان را به گفتن سخنان زشت وامی‌داشت. استاد علامه طباطبائی هم بیانی هماهنگ با کلام سایر مفسران - اما با ویژگیهای خود - دارد ایشان چنین می‌نویسند: آیه، یک ادب دینی را یاد می‌دهد که بدانوسیله مقدسات دینی جامعه صیانت می‌شود و ساحت دین از آلوده گشتن به اهانت و سخنان سخیف و رکیک نابخردان و شتم و فحش و ناسزاگوئی سفیهان حفظ می‌شود. - ما در اینجا در باب نهی از سب و شتم به یک آیه دیگر استشهاد کرده و به این مقدار اکتفا می‌کنیم و به سراغ روایات رسیده در این موضوع می‌رویم تا بحث ما در این زمینه کامل تر شود. خداوند در سوره حجرات می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَتَخَرَّ

قَوْمٌ مِنْ قَوْمِ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نَسَاءَ مِنْ نَسَاءِ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ...» [الحجرات آیه ۱۱] یعنی: ای ایمان آورنده‌ها! مردمی از شما مردمان دیگر را مسخره نکنند، شاید آنان بهتر از ایشان باشند، و زنان، زنان دیگر را مسخره نمایند شاید اینان بهتر از ایشان باشند....

بررسی چند روایت در زمینه سب

از طریق شیعه و سنی نقل شده است که رسول خدا فرمود: «سباب المؤمن فسوق...» [۸] یعنی ناسزاگویی به مؤمن فسق و گناه است. و در دیگر روایات بطور کلی از فحاشی و بد دهنی ممانعت بعمل آمده و انسانها از دشنام و ناسزاگویی - یا دو انگیزه‌ای - حتی به طبیعت بی جان، باد، روزگار و مردگان و هر چیز دیگر، بازداشته شده‌اند [۹] از جمله صفات پسندیده و خصال نیکو رسول خدا آن بود که هرگز بددهنی و ناسزاگویی نمی‌کرد. «لم یکن رسول الله سباً ولا لعاناً ولا فحاشاً» [۱۰]. حضرت علی ابن ابی طالب (ع) به یاران خود در جنگ صفین فرمود: «انی اکوه لکم ان تکونوا سبیین و لکنکم لو و صفتهم اعمالهم و ذکرتم حالهم کان أصول فی القول و ابلغ من العذر» «نهج البلاغه خطبه ۱۹۹». من دوست ندارم که شما فحاش باشید و لکن اگر شما بجای دشنام اعمال آنها را توصیف و احوال آنها را ذکر کنید به حق نزدیکتر و برای اتمام حجت بهتر است. از مجموعه این روایات و برداشتی که از آیه ۱۰۸ سوره انعام داشتیم استفاده می‌شود که سب و دشنام بطور کلی عمل غیر اخلاقی و مطلقاً جائز نیست و با وجود این ادله قاطع چگونه یک مسلمان به خود اجازه می‌دهد که به مسلمان دیگر فحاشی کند، و شیعه آگاه که خود را مقید به پیروی از قرآن و سنت پیامبر اکرم و اهل بیت می‌داند هرگز، زبان خود را به سب و فحش آلوده نمی‌کند، و اگر سب و فحش از بعضی جهال شیعه شنیده شد، نتیجه عکس العمل بعضی اعمال و گفتار و رفتار برادران اهل سنت می‌باشد که نسبت به صحابه راه افراط را پیش گرفتند و قائل به عدالت همه صحابه شدند و اگر کسی از مسلمانان معتقد به عدالت جمیع صحابه نشد او را سرزنش می‌کنند و حتی او را فاسق می‌شمارند. و مدعای ما این است که بر فرض کسی جاهلانه یا عالمانه به خاطر ظلمی که بعضی صحابه نسبت به اهل بیت روا داشتند، دشنام نمود و یا آنها را چون قرآن لعن نمود، این امر موجب فسق و کفر دشنام دهنده نخواهد بود و ما در بخش دیگر این رساله به بحث و بررسی بیشتر همراه استدلال به این مسئله خواهیم پرداخت.

حکم سب خدا و پیامبر و امامان معصوم

از فروع مهم مسئله سب موضوع سب و ناسزاگویی به خدا و پیامبر و انبیاء دیگر و امامان معصوم می‌باشد که احترام آنان از هر مؤمن دیگر بیشتر است و سب و دشنام به آنها دارای بعد سیاسی، اجتماعی می‌باشد و جنبه جنگ روانی و تبلیغاتی دارد. همزمان با ظهور اسلام در مکه و پس از آن در مدینه، یهود سست پیمان و مشرکان عهدشکن و بی فرهنگ و دیگر کفار فساد گستر، شیوه سب به پیامبر را پیش گرفتند، و اسلام برای حفظ قداست پیامبر در فقه سیاسی اش با این جریان برخورد اصولی کرد و دشنام دهنده به خدا و رسول خدا هم چنین دشنام دهنده به بقیه انبیاء را مهدورالدم دانست و حکم به اعدام آنها کرد. و به عقیده ما شیعیان دشنام دهنده به امامان معصوم و حضرت فاطمه (ع) نیز مهدورالدم و محکوم به اعدام می‌باشد و این مطلب را از اقوال پیامبر (ص) و ائمه معصومین استفاده می‌کنیم و فقهاء عظام ما نیز به استناد همین اقوال چنین فتوایی دارند. صاحب جواهر می‌نویسد: هر کس پیامبر (ص) را سب و دشنام و ناسزا گوید شنونده می‌تواند بلکه واجب است او را بکشد بی آنکه احدی از فقهاء در این مسئله مخالف باشد بلکه اجماع محصل و منقول بر آنست [۱۱] علامه حلی می‌نویسد: هر کس خدا و رسول و انبیاء و فرشتگان و امامان را سب و ناسزا گوید نزد ما قتل او واجب می‌شود اما جمهور (اهل سنت) گویند از او می‌خواهند توبه کند اگر توبه نکرد تعزیرش می‌نمایند [۱۲] و در حدیث آمده: پیامبر (ص) در فتح مکه فرمود: هیچ کس را نکشید مگر کسی را که با شما قتال کند و جز اشخاصی که

پیامبر را با شعر هجو و آزار کرده باشند. از آن جمله دو دختر خنیاگر که با ترانه، رسول الله (ص) را سب و ناسزا می‌گفتند و پیامبر فرمود آنها را بکشید هرچند که خود را از پرده کعبه بیاویزند و به خانه خدا پناهنده شوند [۱۳] هدف از ذکر این فتوی و حوادث تاریخی و سیره‌ای آنست که ابعاد سیاسی اجتماعی دشنام به رسول خدا را روشن‌تر سازیم و توضیح دهیم که چرا پیامبر این امر را چنین مهم تلقی فرموده است و چرا در تداوم همان جریان مرحوم امام خمینی کار ضد اسلامی سلمان رشدی را جدی گرفت و رسماً وجوب قتل او را اعلام فرمود. فتوائی که با نظر همه مذاهب اسلامی موافق است منتهی اختلاف بر سر اینست که اگر این مرتد فطری باشد «یعنی کسی که پدر و مادرش یا یکی از آن دو مسلمان بوده‌اند و وی مرتد شده‌است» و توبه کند آیا توبه‌اش پذیرفته می‌شود یا نه. محتاطترین فقها در این باره می‌گویند باید به مرتد سه روز مهلت داده شود اگر توبه کرد پذیرفته می‌شود و در غیر اینصورت حکم قتل درباره وی جاری می‌شود. بنابراین طبق فتوا همه فقهای مذاهب خمسسه سلمان رشدی که مرتد فطری است اگر اکنون هم واقعاً توبه کرد شرعاً محکوم به اعدام می‌باشد و این سزای کسی است که به پیامبر و دیگر مقدسات اسلام اهانت کند.

لعن و نفرین از دیدگاه قرآن و سنت

در قرآن کریم بیش از چهل بار بعضی افراد بخاطر داشتن بعضی از صفات و حالات مورد لعن خدا، رسول، ملائکه و مؤمنان قرار گرفته‌اند که به بعضی از آنان اشاره می‌شود و در اینجا به نوشتن آدرس آیه‌ها اکتفا می‌کنیم و متن عربی آیه‌ها را در آخر همین رساله جهت استفاده بیشتر به رشته تحریر در می‌آوریم. ۱ - شیطان: الحجر آیه ۳۵ و آیه ۲۷۸ - کافرین: البقره آیه ۱۶۱ و الأحزاب آیه ۶۴ - مشرکین و منافقین: الفتح آیه ۸ و التوبه آیه ۶۸ - ظالمین: هود آیه ۱۸ و غافر آیه ۵۲ - مفسد فی الارض: پیمان شکنان و کسانی که قطع صلح می‌کنند الرعد آیه ۲۵ - دروغگویان: ال عمران آیه ۷۶ - یهود و اصحاب السب: المائده آیه ۷۸ و النساء آیه ۴۷ - کتمان کنندگان حقیقت: البقره آیه ۱۵۹ - بهتان زنندگان به زنان پاکدامن: النور آیه ۲۳ - آزار دندگان به پیامبر (ص): الأحزاب آیه ۵۷ - قاتل مؤمنین: النساء آیه ۹۳ - جهنمیان: الأعراف آیه ۳۸ علاوه بر اینها گروههایی هستند که در اخبار و احادیث پیامبر لعن شده‌اند که ما بعنوان نمونه به ذکر و ترجمه یک خبر از اخبار و روایاتی که در آخر همین رساله آوردیم اکتفا می‌کنیم، و طالبین بیشتر می‌توانند به متن عربی همراه با آدرس این روایات در آخر همین رساله مراجعه فرمایند. پیامبر اکرم (ص) فرمود: من هفت گروه را لعن می‌کنم که خداوند و همه انبیاء آنها را لعن کرده‌اند. ۱ - کسی که در کتاب خدا چیزی بیفزاید و آنرا تحریف کند. ۲ - کسی که قضاء و قدر الهی را تکذیب و انکار کند و آنرا نپذیرد. ۳ - کسی که با سنت و خط مشی و آئین زندگی من مخالفت کند. ۴ - کسی که حرام خدا را حلال کند. ۵ - کسی که با زور سرنیزه و حکومت مستبدانه و دیکتاتوری بر امور مردم مسلط شود تا با کسانی که خداوند آنها را خوار و ذلیل کرده عزت و بزرگی بدهد و کسانی را که خداوند آنها را عزیز و بزرگ قرار داده ذلیل و پست گرداند. ۶ - کسی که اموال عمومی و ثروتهای ملی را به یغما ببرد و حیف و میل نماید و ضرر مسلمین آنها را مصرف کند. ۷ - کسی که حلال خدا را حرام شمارد. پیامبر (ص) افراد دیگری چون فراریان از سپاه آسامه ابن زید و ابوسفیان و معاویه و یزید را لعن فرمود که ذکر و بحث آن خواهد آمد. و نیز در مورد لعن و نفرین آیات و روایات فراوانی وجود دارد که ما بخشی از آنها را در آخر همین رساله ذکر می‌کنیم. در اینجا توضیح اجمالی در مورد روایات در منع لعن و نفرین که کم نیستند ضروری بنظر می‌رسد. آن جمله است فرموده رسول خدا: «المؤمن لیس بلعان» یعنی مؤمن بسیار لعن و نفرین کننده نیست. اولاً: باید گفت لعن این روایات با لعن منع از سب و ناسزا تفاوت دارد. ثانیاً: ناظر به مواردی است که لعن مجاز نیست و شخصی استحقاق لعن و نفرین را ندارد. ثالثاً: با توجه به اینکه در بسیاری از این احادیث صیغه مبالغه به کار رفته روشن است که کسانی مراد این روایتند که دهانشان همیشه و بنا حق به لعن و نفرین باز است.

نظر فقهاء فریقین نسبت به سب و لعن

اشاره

اگرچه در بحثهای گذشته پاره‌ای نکات را در حکم شرعی سب و لعن در برداشت و همچنین در بحثهایی که خواهد آمد لیکن جنبه فقهاتی مسئله و بزرگی خود را دارد و باید از زاویه خاص فقهی مورد بررسی قرار گیرد. شیخ انصاری می‌نویسد: سب و شتم مؤمن فی الجمله حرام است به دلیل کتاب و سنت. عقل و اجماع چون ظلم و اذیت و توهین به مؤمن است. البته مؤمن متظاهر به فسق مستثنی است و ناسزاگوئی به وی اشکالی ندارد که او حرمتی ندارد و آیا چنین کاری از باب نهی از منکر است که شرایط آن باید وجود داشته باشد؟ ظاهر فتوی آنست که جواز سب در این مورد از باب نهی از منکر نیست لیکن احتیاط در رعایت شرایط آن است. استثنای دوم در مورد اهل بدعت است که سب و دشنام به بدعتگذار، جایز است و استثنای سوم جایی که دشنام شونده از دشنام ناراحت نشود و یا اصلاً آن کلمه برای او کسرشأن و توهین نباشد [۱۴]. صاحب جواهر در زمینه هجاء می‌گوید: هجاء مومن حرام است اما کافران را می‌توان هجو، سب و لعن و شتم کرد جز فدف و فحش که مجاز نیست [۱۵] امام فخر رازی و امام اهل سنت غزالی کلاً سب و لعن هر مسلمانی را جائز نمی‌دانند و غزالی حتی در مورد لعن یزید می‌گوید جائز نیست. که جواب این دو عالم سنی در بحثهای آینده خواهد آمد انشاءالله. ابن اثیر می‌نویسد: سب و ناسزاگوئی به مؤمن وقتی فسق است که از روی تأویل واقع نشود و گرنه فسق و گناه نیست [۱۶] ابن حجر در ص ۲۵۱ صواعق محرقه خود تصریح دارد که مذهب و فتوای او نسبت به کسی که لعن کند تکفیر نیست. امام فخر رازی می‌نویسد: سب اصنام و بت‌ها و بت پرستان، طاعت است ولی چون مستلزم منکر عظیم است احتراز از آن لازم است [۱۷].

آیا سب و لعن مسلمان بالخاص صحابه موجب فسق و کفر می‌شود

اهل سنت به استناد قولی که از حضرت رسول خدا روایت می‌کنند که: «سباب اعلم فسق یا کفر» حکم به فسق و گاهی به کفر دشنام دهنده به صحابه می‌کنند. ما در جواب آنها به اموری چند متمسک می‌شویم. اولاً: اصل صحت این حدیث به این نحو را رد می‌کنیم و آنچه از طریق ما شیعه روایت شده این است که پیامبر فرمود: «لسباب المؤمن فسوق و قتاله کفر» [۱۸] چنانچه در صحیح بخاری ج ۸ صفحه ۱۸ از حدیث ابن مسعود نیز چنین روایت شده. و حقیقتاً اگر کسی از مسلمانان و صحابه مصداق مؤمن باشد، سب و شتم جایز نیست و اگر این سب عمری باشد موجب فسق است و قتال مؤمن نیز به نص صریح قرآن کفر است، پس سب مؤمن حرام است ولی اگر هم انجام شد مستوجب کفر دشنام دهنده نیست، چه برسد به شتم مسلمان و حتی صحابه‌ای که مؤمن بودنش نیز ثابت نیست. پس برفرض کسی بعضی از صحابه رسول خدا را جاهلاً یا عالماً سب و لعن نمود مستوجب کفر او نمی‌شود چون نه از قرآن و سنت دلیل داریم و نه از اجماع بلکه اجماع برخلاف آن قائم است و فتوای عده زیادی از علمای اهل سنت بر عدم کفر دشنام دهنده می‌باشد، از جمله ابن حجر در خاتمه صواعق محرقه خود و عارف شعرانی در براقیت خود. ابن حجر در صفحه ۲۵۱ صواعق محرقه خود تصریح دارد که مذهب او نسبت به کسی که لعن کند تکفیر نیست و ابن حزم در صفحه ۲۴ از جزء ۴ از کتاب خود بنام "الفصل" تصریح دارد که: امام اهل سنت ابن الحسن علی ابن اسماعیل اشعری و یاران او قائل به ایمان قلبی هستند، و کسی که ایمان قلبی دارد اگر حتی بدون تقیه به زبان خود اعلان کفر کند... و در این حال بمیرد پس او با ایمان کامل نزد خداوند مرده است. و ابن حزم در صفحه ۲۰۶ جزء ۴ همین کتاب «الفصل» می‌گوید: اشعریها گفته‌اند که: اگر کسی به مسلمان فحش کند مستوجب کفر نیست و در صفحه ۲۲۷ از جزء سوم از همین کتاب می‌گوید: اگر کسی یکی از صحابه را دشنام کند در حالی که جاهل باشد او معذور است. و شیخ حنفیها ابن عابدین در باب المرتد من کتاب الجهاد صفحه ۳۰۲ حکایت شده که او

تصریح دارد که قول بتکفیر دشنام دهنده صحابه خلاف اجماع فقهاء است. و از صاحب فتح الغدير نقل شده که: ایشان قطع دارند به اینکه تکفیرکننده صحابه و دشنام دهنده به آنها کافر نیست. ما در اینجا به جهت اختصار به این چند فتوی اکتفا می‌کنیم و به سیره خود صحابه در این باب می‌پردازیم چنانکه در کتب سیره و تاریخ آمده خود صحابه در زمان رسول خدا و بعد از آن با هم اختلاف داشته و همدیگر را سب و لعن می‌کردند بلکه بروی همدیگر سلاح و شمشیر کشیدند و با هم جنگ کردند ولی نقل نشده که همدیگر را تکفیر کرده باشند و پیامبر وقتی صحابه باهم اختلاف داشتند بین آنها اصلاح می‌نمود. در مسند احمد بن حنبل به نقل از ابوهریره آمده که: مردی در نزد پیامبر به ابوبکر سب و فحش نمود و پیامبر لبخند زد و چیزی نفرمود. «مسند احمد ج ۲ ص ۴۳۶». چنانچه بعد از پیامبر (ص) نیز یک صحابه به ابوبکر در حالی که خلیفه مسلمین بود ناسزا گفت و ابو برزه اُسلمی می‌گوید یا خلیفه رسول خدا اجازه دهید که گردن او را بزنم. ابوبکر به او گفت: بنشین که این فقط حق رسول خدا است. پس اگر حکم خلیفه نسبت به کسی که به او سب می‌کند چنین است و با وجود فتاوی علمای اهل سنت که برخی از آنها را ذکر نمودیم، پس شما (وهابیون) به چه دلیلی حکم به فسق یا کفر دشنام دهنده صحابه می‌کنید. در ضمن اگر حکم دشنام دهنده به صحابه کفر باشد پس چرا حکم به کفر معاویه نمی‌کنید، کسی که سالهای ممدی بر منابر و در محافل، خود و یاران خود به حضرت علی (ع) سب و لعن می‌گفتند، آیا علی بن ابی طالب یک از بهترین صحابه رسول خدا نبود، آیا نشنیدید و نخواندید که رسول خدا درباره او فرمود: «مَنْ سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّنِي وَ مَنْ سَبَّنِي فَقَدْ سَبَّ اللَّهَ...» و دشنام دهنده به خدا و رسول خدا به اجماع علماء و مسلمین حکمش کفر و مهدورالدم می‌باشد و چون پیامبر (ص) این جمله را در خصوص حضرت علی (ع) فرمود، پس دشنام دهنده به حضرت علی (ع) کافر می‌باشد. و نیز چرا شما حکم به کفر فرزند فاسق معاویه، یزید نمی‌کنید کسی که امام حسین فرزند رسول خدا و جمعی از بهترین اصحاب او را ظالمانه و غریبانه به شهادت رساند، یارانی که بیشتر آنها از بهترین اصحاب رسول خدا بودند. و قرآن صراحتاً می‌فرماید: که قاتل مؤمن مستوجب لعن و نفرین است ما در بخش بعدی این رساله توضیح بیشتر در مورد فسق و کفر معاویه و یزید می‌پردازیم و جواز لعن آنها را از کتاب و سنت بیان خواهیم نمود. انشاء الله.

آیا لعن معاویه و یزید جایز است

اشاره

در تواریخ و کتب سیره آمده که معاویه فرزند یزید وقتی که به خلافت رسید بر منبر رفت و خطبه‌ای در فضائل اهل بیت پیغمبر و فضائل پدر خود و جدش خواند سپس از منبر فرود آمد و از خلافت استعفا داد و گویند مدت خلافت او چهل روز طول کشید. این مطلب را مسعودی در مروج الذهب ج ۳ صفحه ۲۲۶ آورده. و ابن حج در صواعق محرقه خود صفحه ۱۳۴ نیز این مطلب را آورده. مردم هنگامیکه لعن و تبری فرزندش را مشاهده کردند و از طرفی جنایتهای یزید را می‌دانستند کم کم او را لعن می‌کردند و بلکه از آن هم تجاوز کرده خلفای ثلاث (عمر و ابوبکر و عثمان) را هم لعن و طعن کردند. علمای سنی مذهب جرئت عوام را بر لعن خلفاء دیدند در مقابل آن برآمدند که لعن یزید را حرام کنند بلکه بدینوسیله از لعن خلفاء جلوگیری شود، این مطلب را ملا سعد تفتازانی صاحب مطول در کتاب خود در شرح مقاصد که در علم کلام تألیف کرده آورده و بدتر از ملا سعد تفتازانی، امام اهل سنت ابو حامد محمد غزالی طوسی صاحب کتاب "احیاء العلوم" است که در خصوص عدم جواز لعن هر مسلمان پافشاری کرده و به استناد اخبار منع از لعن و نفرین مسلمان حتی لعن یزید را جائز ندانسته، و علمای ما به نوبه خود هر کدام جواب محکم و مستدل به این دو عالم نمی‌دادند و جامع‌ترین بیان را در ردّ پندار غزالی مرحوم فیض دارد که مرحوم نراقی هم از او اقتباس فرموده است مرحوم فیض در ج ۵ محجة البیضاء ص ۲۲۰ درباره سخنان غزالی نوشته: «آنچه غزالی درباره لعن یزید گفته است: «فینبغی أن

یطوی و لا یروی» شایسته است سب که طومار آن درهم پیچیده شود و ابداً روایت نشود». ما نیز به نوبه خود در جواب این دو عالم سنی و همه کسانی که لعن معاویه و یزید را جائز نمی‌دانند ابتدا ادله جواز لعن این دو را از کتاب و سنت و سپس فتوای تنی چند از علمای بزرگ خود آنها آورده آنگاه با توجه به حوادث تاریخی مؤید و مؤکد جواز لعن به یک نتیجه و جمع بندی خوب و مستدل خواهیم رسید.

آیات و روایات داله بر لعن معاویه و یزید

اکثر آیات و روایاتی که در اثبات جواز لعن بعض از مسلمین و از جمله بعض صحابه آوردم در اثبات جواز لعن معاویه و یزید نیز منطبق است، بخصوص آیات مربوط به لعن ظالمین و مفسدین. و در اینجا به بعضی از آیات و روایاتی که یا صراحتاً بنی امیه و بلاخص معاویه و یزید را لعن کرده و یا اینکه مصداق اتم این آیات و روایات این دو ملعون باشند اشاره می‌کنیم تا استدلال در این باب کاملتر شود. در آیه ۶۲ سوره بنی اسرائیل خداوند می‌فرماید: «و ما جعلنا الرؤیا التي اریناک الا فتنة للناس و الشجرة الملعونه فی القرآن و نخوفهم فما یزیدهم الا طغیاناً کبیراً». مفسرین اهل سنت مانند امام ثعلین و فخر رازی و دیگران آوردند: که رسول خدا در عالم رویا دید که بنی امیه مانند بوزینگان بر منبر آن حضرت صعود و نزول می‌نمایند، جبرئیل این آیات شریفه را آورده که آنچه ما در خواب به تو نمودیم فتنه و امتحان برای این مردم است و درختی که به لعن در قرآن یاد شد «درخت نژاد بنی امیه» و ما بذکر این آیات عظیم آنها را از خدا می‌ترسانیم ولیکن بر آنها جز طغیان و کفر و انکار شدید چیزی نیفزاید. پس وقتی که خداوند بنی امیه را لعن فرموده، قطعاً معاویه و یزید که یکی از اعضا و شاخه‌های محکم آن درخت است ملعون می‌باشند. آیه دیگر در این باب قول خداوند متعال که می‌فرماید: «و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فیها و غضب الله علیه و لعنه و اعدله عذاباً عظیماً» "نساء آیه ۹۵." این آیه شریفه صراحت دارد که هر کسی مؤمنی را متعمداً بقتل رساند ملعون ذات باری تعالی می‌باشد و جایگاه او جهنم خواهد بود. آیا حجر بن عدی و هفت نفر از اصحاب او را معاویه به جرم اینکه چرا از علی (ع) بیزاری نجستند بقتل نرسانید؟ آیا حسن بن علی (ع) سبط بزرگ پیامبر از اکابر مؤمنین نبود. که با حيله و نیرنگ معاویه توسط زنش جعه مسموم نشد این دو مورد و به شهادت رساندن عمار یاسر و محمد بن ابی بکر و مسموم کردن مالک اشتر و ده‌ها مورد دیگر به گواه و شهادت تاریخ نویسان و سیره نویسان بزرگی چون مسعودی و بیهقی و بسط ابن جوزمی کار معاویه بوده آیا شهادت امام حسین و یارانش توسط لشکر یزید قتل عمد نیست؟! و از همه اعمال قبیح‌تر معاویه قتل عامی که به امر او بسر بن ارطاه از شیعیان علی نمود چنانچه ابوالوج اصفهانی و علامه سمهودی در تاریخ المدینه و ابن خلکان و ابن عساکر و جلدی در تاریخ خود نوشتند.

اما روایات رسیده در باب لعن و نفرین معاویه

در تاریخ طبری در جلد ۱۱ صفحه ۳۵۷ آمده که روزی رسول خدا ابوسفیان را دید که بر الاغی نشسته و معاویه پشت الاغ و یزید جلوی الاغ در حرکت بودند، پس رسول خدا فرمود: خدا لعنت کند قائد و راکب و سائق را! و بر این اساس محمد فرزند ابوبکر نامه‌ای به معاویه می‌نویسد: ای لعین و فرزند لعین... و نیز در صحیح مسلم در باب من لعنه النبی (ص) آمده که: روزی رسول خدا معاویه را سه بار طلبید و معاویه استجاب نکرد و در سه بار به فرستاده رسول خدا گفت به پیامبر بگو من فعلاً مشغول غذا خوردن هستم، پیامبر معاویه را با این عبارت نفرین فرمود: «لا اشبع الله بطنه» یعنی: خداوند شکم معاویه را هیچگاه سیر نکند. و دعای پیامبر هم مستجاب شد و معاویه در طول عمر خویش هیچگاه سیر نشد. این روایت در مسند ابی داود نیز آمده و هم چنین در کنز العمال ج ۶ صفحه ۸۷ و در میزان الاعتدال ج ۲ صفحه ۱۷ از رسول خدا روایت شده که فرمود: اگر معاویه را بر منبر من دیدید او را بکشید. و این روایت را نیز ابن حجر در تهذیب التهذیب ج ۷ صفحه ۳۲۴ آورده و هم چنین در ج ۸ صفحه ۷۴ در شرح حال عمر

بن عبید بن باب از جمله دلائل واضح جواز لعن بلکه دلائل کفر معاویه تمسک به این حدیث شریف رسول خدا که اکابر علمای اهل سنت چون نسائی و ثعلبی و فخر رازی و ابن ابی الحدید و شافعی و ابن جوزی در کتابهایشان آنرا روایت کردند که رسول خدا فرمود: «مَنْ سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّنِي وَ مَنْ سَبَّنِي فَقَدْ سَبَّ اللَّهَ» و واضح است چنانکه اکثر تاریخ نویسان و سیره نویسان نوشتند که معاویه خود و یارانش سالهای متمادی در مجالس و مناظر به حضرت علی (ع) سب و دشنام می‌فرستاد و مردم را امر می‌کرد که حضرت علی (ع) را در نماز و قنوت لعن کنند و این بدعت زشت تا زمان عمر ابن عبدالعزیز ادامه داشت آیا با استناد به حدیث شریف معاویه سب الله و پیامبر نیست؟! و حکم چنین کسی آیا کفر و لعن نیست؟! و ابن حجر در صواعق محرقة خود روایتی بهتر و بالاتر از اولی از رسول خدا روایت کرده و آن این است که رسول خدا (ص) فرمود: «مَنْ سَبَّ اَهْلَ بَيْتِي فَانَّمَا يَرْتَدُّ عَنِ اللَّهِ وَ الْاِسْلَامِ وَ مَنْ اَذَانِي فِي عَمْرَتِي فَعَلِيهِ لَعْنَةُ اللَّهِ» پس به حکم این روایت کسی که هر کدام از یکی از اهل بیت پیامبر را دشنام دهد یا آزار برساند مرتد است و لعنت خداوند بر او باشد و معاویه و یزید مصداق ام این حدیث می‌باشند. اما درباره جواز لعن یزید علاوه بر استدلال به آیاتی که گذشت خیلی از علمای بزرگ اهل سنت نیز فتوی به جواز لعن یزید دادند که به بعضی آنها اشاره می‌کنیم. از جمله این علماء قاضی عضدالدین ابجی صاحب شرح مواقف در کلام که در اشعار خود گفته: اللعن علی یزید فی الشرع یجوز و اللاعن یحوی خسات و یجوز و از جمله علمای عامه که قائل به لعن هستند ابوالفرج عبدالرحمن بن علی حنیلی معروف به ابن الجوزی که در این خصوص کتابی تألیف کرده بنام «الزهد علی المتعصب العنید المانع عن لعن یزید» که در حقیقت ردّ بر عبدالمعتب بن زهیر الحنیلی است که او کتابی در فضائل یزید نوشته است. خلاصه و جمع بندی مطلب این است که با توجه آیات و روایات و فتاوی جمعی از علماء اهل تسنن و نیز با توجه به حوادث تاریخی تلخ که بعضاً ذکر شد به این نتیجه می‌رسیم که لعن و تبری از معاویه و یزید نه فقط جائز است بلکه مستحب و گاهی به حکم تبری از دشمنان خدا و رسول خدا واجب می‌شود، چرا که لعن اینها و امثال آنها در واقع تبری و بیزاری از خط و مشی آنها و نیز بیزاری از دوستان و پیروان آنها می‌باشد. در پایان یک مطلب را توضیح می‌دهم و آن لقبهای دروغینی که اهل سنت به معاویه دادند چون خال المؤمنین و کاتب وحی، که باید گفت معاویه کاتب مراسلات پیامبر با عرب بود نه کاتب وحی و اگر او بخاطر اینکه خواهرش ام حبیبه زن پیامبر بود خال المؤمنین لقب داده شد چرا محمد بن ابی بکر که برادر عایشه ام المؤمنین است مفتخر به این لقب نشد آیا چون محمد ابن ابی بکر پیرو امام علی (ع) بود از این لقب محروم شد؟!

آیا لعن بعضی از صحابه از جمله شیخین جائز است

در بحث قبلی به ادله جواز لعن فی حد نفسه و هم چنین به ادله جواز لعن افرادی که دارای صفات مذمومی چون ظلم و فسق و بهتان و دروغ و... پرداختیم و در واقع چنین لعنی بطور کل و عام بود، که لاشک چه زمان پیامبر (ص) و تا بحال این لعن کلی، افراد و مصادیقی دارد و ما با جستجو در کتب سیره و تاریخ و با استفاده از کتاب و سنت در پی پیدا نمودن این ملعونین هستیم ملعونین که یا صراحتاً توسط پیغمبر مورد لعن و نفرین قرار گرفتند مانند معاویه و یزید که اثبات فسق و کفر آنها گذشت و یا اینکه پیامبر افرادی را لعنت فرمود که امثال شیخین جزء آن افراد بودند مثلاً پیامبر فرمود: «لعن الله من تخلف عن جيش اسامه» و تاریخ نویسان نوشته‌اند که از جمله فراریان و متخلفین از سپاه اسامه شیخین بودند. بهر حال بعد از این مقدمه کوتاه به ادله جواز لعن بعضی صحابه از جمله شیخین می‌پردازیم. این ادله عبارتند از: ۱ - خداوند در قرآن تمام ظالمین را لعن فرموده از جمله این آیات قول خداوند متعال: «أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظالمین» «هود آیه ۱۸» و قول خداوند: «یوم لا ینفع الظالمین معذرتهم و لهم اللعنة و لهم سوء الدار» «غافر ۵۲» و این مخصوص ظالمین از کفار نیست چنانچه بعضی‌ها گفته‌اند، چرا که هم تعلیق حکم به وصف است و هم جمع معرف به لام که افاده عموم می‌کند. و وجه استدلال به این آیات چنین است که: هر ظالمی در قرآن ملعون است، بعض صحابه از جمله

شیخین و عثمان به دیگران ظلم نمودند پس بعضی از صحابه از جمله شیخین و عثمان ملعون هستند. اثبات اینکه آنها ظلم کردند با مراجعه به تاریخ صدر اسلام و کتب معتبر فریقین در این زمینه خیلی آسان است و ما در اینجا به اندکی از موارد ظلم و تعدی آنها اشاره می‌کنیم: ۱- آنها با غضب خلافت از حضرت علی (ع) به منصب امامت به خود و به حضرت علی (ع) و کسانی که حاضر نشدند با آنها بیعت کنند ظلم و ستم کردند و به همسر علی (ع) و دختر پیامبر اکرم (ص)، حضرت فاطمه (س) نیز ظلم و ستم نمودند که به مواردی از آن اشاره خواهد شد، اثبات این موارد از ظلمهای آنها در گنجایش این رساله مختصر نیست و طالبین به مظان آن در کتب فریقین مراجعه کنند. ۲- خداوند در قرآن می‌فرماید: «أَنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا» [الأحزاب ۵۷]. و این آیه از جمله دلائل قاطع بر جواز لعن آنان می‌باشد و استدلال به این آیه بر جواز لعن آنها در چند وجه است: ۱- اینان چنانکه در کتب سیره و تاریخ آمده در مواردی چند با حرف نشنوی و عناد با پیامبر (ص) پیغمبر را اذیت و آزار دادند که نمونه آن قضیه جنگ اسامه و فرار آنها از جنگ و جهاد. ۲- همانا ابوبکر و عمر و عثمان و پیروان آنها به حضرت زهرا (س) آزار رساندند و هر که به فاطمه آزار برساند به گفته خود پیامبر همانند اینکه به رسول خدا آزار رسانده و هر که به رسول خدا آزار رساند طبق نص صریح این آیه ملعون است. اما اینکه آنها به فاطمه (س) آزار رساندند احتیاج به استدلال آنچنانی ندارد و با مراجعه به کتب خود اهل سنت این مطلب روشن می‌شود. اولین ظلمی که بعد از وفات پیامبر نسبت به پاره تن او روا داشتند اینکه او را از ارث محروم نمودند و ملک فدک که حق شخصی او بود از او غاصبانه و ظالمانه گرفتند. و دومین ظلم و آزار آنها به فاطمه (س) این است که برای گرفتن بیعت از حضرت علی (ع) به خانه فاطمه حمله‌ور شدند و حضرت را در میان در و دیوار شکستند و محسن او را ساقط نمودند، آیا ظلمی و آزاری بالاتر از این ممکن است انجام گیرد این مطلب را اکثر علمای شیعه و بعضی از علما و سیره نویسان اهل سنت نوشتند. [۱۹] و خلاصه حضرت فاطمه از دنیا رحلت فرمود در حالی که از دو شیخین غضبناک بود چنانکه در صحیح بخاری و مسلم آمده: هر که حضرت فاطمه (س) را غضبناک کند مثل اینکه حضرت رسول خدا را غضبناک فرموده چون حضرت فرمود: «فاطمه بضه منی یدینی ما أربها و يؤذینی ما أذاها» و فرمود: «فاطمه بضه منی من اغضبها اغضبنی» [۲۰] سومین ظلم و آزار آنها به بهترین صحابه رسول خدا بود و آزار صحابه به عقیده خود آنها آزار رسول خدا است و آزار دهنده رسول خدا ملعون است، از جمله این صحابه که به آنها آزار رساندند حضرت علی (ع) و اسامه ابن زید و ابوذر غفاری و عمار یاسر و عبدالله ابن مسعود و غیر از اینها چنانچه در کتب سیره و تاریخ آمده. ۳- از جمله دلائل قاطع بر جواز لعن آنان اینکه در طول خلافتشان احکامی صادر نمودند که برخلاف حکم خدا و رسول خدا بود و هر کس چنین کند او ظالم و فاسق و کافر می‌باشد و ظالمین و کافرین به نص صریح قرآن ملعون هستند، از جمله احکام صادره از ابوبکر که برخلاف آنچه خداوند نازل کرده قضیه منع ارث حضرت فاطمه (س) و غیره و آنچه از عمر صادر شده زیاد است که نمونه آن حکم تحریم متعه با ازدواج موقت و تحریم متعه حج و امر کردن به سنگسار مجنون و زن باردار و برداشتن حی علی خیر العمل از اذان و بدعت در اضافه الصلاة خیر من النوم و اما عثمان برعکس همه مسلمانان نماز در سفر را کامل می‌خواند و چنین حکم می‌کرد چنانکه در صحیح بخاری ج ۲ ص ۱۵۴ و صحیح مسلم ج ۲ ص ۲۶ آمده. از مجموع آیات ذکر شده و موارد و مصادیق آن استفاده می‌شود که بعضی از صحابه دارای چنین صفات مذمومی بودند که مستحق لعن و نفرین می‌باشند هر چند که این صحابه خلیفه هم باشند و اگر شیعه به بعضی از این صحابه لعن و نفرین می‌کند در واقع عمل به دستور قرآن نموده. البته شیعه برای حفظ وحدت اسلامی سعی می‌کند که اسم ملعونین را نبرد و لعن را بصورت کلی بر تمامی ظالمین بالأخص ظالمین اهل بیت پیامبر می‌فرستند که مسلم این لعنت شامل خلفای ثلاثه و معاویه و یزید می‌شود هر چند که اسم آنها را به زبان نیاوریم، «اللهم اللعن ظالمی اهل البیت جمیعاً»

با استفاده از آیات قرآنی بخصوص آیه ۱۰۸ سوره انعام و احادیث نبوی و غیره و با بهره‌گیری از سیره رسول اکرم (ص) و نیز با توجه به فتاوی علمای فریقین، سب و دشنام گوئی، بطور کلی از منکرات است و مطلقاً جائز نیست هم از لحاظ اخلاقی و هم از لحاظ شرعی، لذا یک مسلمان شیعه پیرو قرآن و سنت هیچگاه به خود اجازه نمی‌دهد، برخلاف قرآن و سنت عمل کند بخصوص این عمل ناپسند بر امر تبلیغ و ادای رسالت اثر مرء دارد و جامعه ایده‌آل الهی را از هدف مقدس خود دور می‌سازد اما درباره مسئله لعن باید گفت که: از مجموع آیات و روایات وارده در باب لعن و نیز فتاوی فریقین، این نتیجه حاصل می‌شود که هر فرد مسلمان خواه صحابه باشد خواه تابعی که دارای چنین صفات مذموم مذکور در آیات و روایات باشد لعن آن جائز بلکه در مواردی مستحب و عبادت است، و شیعه به استناد همین آیات و روایات و نظر فقهاء به بعضی از صحابه و تابعین که فاسق و ظالم بودند لعن و نفرین می‌فرستند، بخصوص افرادی که ظلم آنها به اهل بیت ثابت است چگونه مستحق لعن و نفرین نباشند در صورتی که چنانکه که گذشت قرآن و رسول خدا صراحتاً آنها را لعن کرده، پس ما شیعیان نیز به پیروی از قرآن و پیامبر آنها را لعن می‌کنیم و لعن چنین افرادی چنانکه گذشت نه مستوجب فسق است و نه مستوجب کفر، بلکه لعن آنها بعنوان تبری از دشمنان خدا و رسول خدا عین طاعت و عبادت می‌باشد. بعضی از آیات و روایات آمده در متن رساله: قال رسول الله (ص): المؤمن ليس بلغان. احياء علوم الدين ج ۳ ص ۱۲۲ و قال (ص): ان الله لا يوجب الفاحش المتفحش الصياع في الأسواق. امام علي (ع) در جنگ صفین به یاران خود فرمود: ائی اکوه لکم ان تکونوا سبائین ولکنکم لو وصفتم اعمالهم و ذکرتمهم حالهم کان اصبوب فی القول و ابلغ من العذر. نهج البلاغه خطبه ۱۹۹ قال رسول الله (ص): سباب المؤمن فسوق و قتاله کفر. اصول کافی ج ۲ ص ۳۶ و صحیح بخاری ج ۸ ص ۱۸ قال تعالی: و ما جعلنا الرؤيا التي اريناك الا فتنة للناس و الشجرة الملعونه في القرآن و نخوفهم فما يزيدهم الا طغياناً كثيراً. بنی اسرائیل ۶۲ قال رسول الله (ص): من سبَّ علياً فقد سبني فقد سبَّ الله. این روایت را نسائی و ثعلبی و رازی و ابن ابی الحدید و ابن جوزی آنرا روایت کرده و ابن حجر در صواعق محرقة خود روایتی تهیه و بالتر در این معنی از رسول خدا روایت می‌کند. قال رسول الله (ص): من سبَّ اهل بيتي فانها يرتد عن الله و الاسلام و من اذاني في عترتي فعليه لعنة الله. و قال فاطمه بضعة مني من اغضبها اغضبني و قال (ص) فاطمة بضعة مني يريني ما اربها و يؤذيني من اذها. آدرس مفصل در متن آمده. ملاحظه: آنچه در بالا ذکر شد بخشی از آیات و روایات مورد استفاده و استناد و استشهاد در بحث می‌باشد. نفرین شدگان توسط پیامبر آمده که ان شاء الله مورد استفاده قرار گیرد. و با حفظ آنها یا بخشی از آنها در استدلال بر جواز لعن در مباحثه کمک شایانی در افحام طرف مقابل خواهد بود.

نفرین شدگان در قرآن کریم

۱ - شیطان: - و انَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةُ الی یوم الدین. الحجر ۳۵ - و انَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي الی یوم الدین. ص ۲۷۸ - الکافرون: - انَّ الَّذِینَ کَفَرُوا و ما تَوَّأ و هُمْ کَذَّارٌ اُولٰئِکَ عَلَیْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ و الْمَلٰئِکَةِ و النَّاسِ اَجْمَعِیْنَ. البقره ۱۶۱ - انَّ اللَّهَ لَعَنَ الْکَافِرِیْنَ و اَعَدَّ لَهُمْ سَعِیْرًا. الأحزاب ۶۴ - المشرکون و المنافقون: - و یُعَذِّبُ الْمُنَافِقِیْنَ و الْمُنَافِقَاتِ و الْمَشْرِکِیْنَ و الْمَشْرِکَاتِ الظَّالِمِیْنَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَیْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ و غَضِبَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ و لَعَنَهُمْ و اَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ و سَاءَتْ مَصِیْرًا. الفتح ۶ - وَعَدَّ اللَّهُ الْمُنَافِقِیْنَ و الْمُنَافِقَاتِ و الْکَافِرِیْنَ نَارَ جَهَنَّمَ خٰلِدِیْنَ فِيْهَا، هِیَ حَسْبُ جَهَنَّمَ و لَعْنَةُ اللَّهِ و لَهُمْ عَذَابٌ مُّقِیْمٌ. التوبه ۶۸ - الظالمون: -... اَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَی الظَّالِمِیْنَ. هود ۱۸ - یوم لا ینفع الظالمین معذرتهم و لهم اللعنة و لهم سوء الدار. غافر ۵۲ - المفسدون فی الارض، الذین ینقضون عهد الله، القاطعون لأرحامهم - والذین ینقضون عهد الله من بعد میثقه و یقطعون ما أمر الله به ان یوصل و یفسدون فی الارض اُولٰئِکَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ و لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ. الرعد ۲۵ - الکاذبون: - فَمَنْ حَاجَّكَ فِیْهِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَذَلَّ عَلَیْنَا و اَبْنَاءَنَا و اَبْنَاءَکُمْ و نِسَاءَنَا و نِسَاءَکُمْ و اَنْفُسَنَا و اَنْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَلِمْ فَتَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَی الْکٰذِبِیْنَ. ال عمران ۶۱ - وَالْخِیْسَةُ اَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَیْهِ اِنْ کَانَ مِنَ الْکٰذِبِیْنَ. النور ۷۷ - اليهود و اصحاب السب: - لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم ذلك بما عصوا و کانوا یعتدون.

المائده ۷۸ - يا ايها الذين آمنوا الكسب ءامنوا بما نزلنا مصدقاً لما معكم من قبل ان نظمس وجوها منزوها على ادبارها أو نلغهم كما لعنا أصحاب السب و كان أمر الله مفعولاً. النساء ۴۷ ۸ - الذين يكتمون الحق (كتمان كندگان حقيقت): - ان الذين يكتمون ما أنزلنا من السبب و الهدى من بعد ما بينه للناس في الكتاب أولئك يلغهم الله و يلغهم اللعنون. البقره ۱۵۹ ۹ - الذين يمون المحصنات (بهتان زندگان به زنان پاکدامن): - ان الذين يرمون المحصنات اللعنون في الدنيا و الآخرة و لهم عذاب عظيم. النور ۲۳ ۱۰ - الذين يؤذون الله و رسوله (ص) (آزار دهندگان به پیامبر (ص)): - ان الذين يؤذون الله و رسوله لعنهم الله في الدنيا و الآخرة و أعد لهم عذاباً مهيناً. الأحزاب ۵۷ ۱۱ - الذين يقتلون المؤمنين: - و من يقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فيها و غضب الله عليه و لعنه و أعد له عذاباً عظيماً. النساء ۹۳ ۱۲ - اصحاب النار: - قال ادخلوا في أمم قد خلت من قبلكم من الجن و الأنس في النار كلما دخلت أمة لعنت أختها... الأعراف ۳۸ در قرآن کریم بیش از چهل بار واژه لعن تکرار شده و از زبان خدا و رسول خدا و فرشتگان و مردم به افراد و گروهایی لعن و نفرین نثار شده است، که ما در اینجا جهت اختصار و بعنوان نمونه به این مقدار مذکور اکتفا نمودیم، تا سند محکم و قاطعی باشد بر جواز لعن در بعضی موارد و برای بعضی اشخاص و گروهها، و پس از ذکر این آیات به ذکر مواردی از لعن و نفرین پیامبر اکرم (ص) به بعضی اشخاص و گروهها می پردازیم، تا معلوم شود که موارد جواز لعن و نفرین هم در قرآن و هم در سنت نسبت به بعضی اشخاص و گروهها زیاد بوده.

نفرین شدگان توسط پیامبر اکرم

۱ - مسند زید بن علی من صفحه ۲۵۵ سطر ۴ الی صفحه ۲۵۵ سطر ۷: حدثني زيد بن علي عن ابيه عن جده عن علي (ع) قال: قال رسول الله (ص): اني لعنت ثلاثة فلعنهم الله تعالى: الامام يتجر في رعيته و ناكح البهيمة و الذكرين ينكح احدهما الآخر. ۲ - مسند زید بن علی من صفحه ۴۰۳ سطر ۶ الی صفحه ۴۰۳ سطر ۱۱: حدثني زيد بن علي عن ابيه عن جده عن علي (ع) قال: قال رسول الله (ص): لعنت سبعة فلعنهم الله تعالى و كل نبي مجاب الدعوة، الزائد في كتاب الله و المكذب بقدر الله تعالى لسنتي و المتحل من عترتي ما حرم الله و المسلط بالجبروت ليعزما ترذل الله. ۳ - كتاب الموطاء جلد ۱ من صفحه ۲۳۸ سطر ۲ الی صفحه ۲۳۸ سطر ۴: حدثني يحيى عن مالك عن محمد بن ابي عبدالرحمن، أن عن امه عمره بنت عبدالرحمن، أنه سمعها تقول: لعن رسول الله (ص) المختفي و المختفية. يعني نباش القبور. قال ابن عبدالبر. روى عن عائشه مسنداً. ۴ - مسند زید بن علی من صفحه ۴۰۴ سطر ۳ الی صفحه ۴۰۴ سطر ۵: حدثني زيد بن علي عن ابيه عن جده عن علي (ع) قال: قال رسول الله (ص): يا علي لعنتك من لعنتي و لعنتي من لعنة الله و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً. ۵ - مسند زید بن علی من صفحه ۴۴۳ سطر ۱۸ الی صفحه ۴۴۴ سطر ۲: اخرج ابن الجوزي بلفظه عن رضى الله عنه، و أخرجه الدار قطنی بأسناده قال: قال رسول الله من أفتى الناس بغير علم لعنته السموات و الأرض. ۶ - المدونه الكبرى جلد ۴ من صفحه ۴۲۷ سطر ۴ الی صفحه ۴۲۷ سطر ۷: قال أشعب و قد قال مجابر بن عبدالله صاحب النبي (ص) ما حرم أكله حرم ثمنه و قال النبي (ص) لعن الله اليهود حرمت عليهم الشحوم فباعوها و أكلوها أثمانها. ۷ - كتاب الأم جلد ۶ من صفحه ۱۵۷ سطر ۱۶ الی صفحه ۱۵۷ سطر ۱۸: قال الشافعي أخبرنا مالك عن أبي الرجال عن امه عمره بنت عبدالرحمن أن رسول الله (ص) قال: «لعن الله المختفي و المختفيه». ۸ - الأحكام في الحلال و الحرام جلد ۲ من صفحه ۳۷ سطر ۴ الی صفحه ۳۷ سطر ۶: و في ذلك ما بلغنا عن امير المؤمنين (ع) قال: لعن رسول الله (ص) الربا و آكله و موكله و بايعه و مشتره و كاتبه و شاهديه. ۹ - الأحكام في الحلال و الحرام جلد ۲ من صفحه ۴۰۸ سطر ۱۲ الی صفحه ۴۰۸ سطر ۱۴: و بلغنا عن علي (ع) قال: لعن رسول الله (ص) الخمر و عاصرها و معتصرها و بائعها، و مشربها و ساقيةا، و شاربها و آكل ثمنها و حاملها و المحمولة اليه. ۱۰ - روى الطبري في تاريخه ج ۱۱ صفحه ۳۵۷: أنه رأى رسول الله (ص) أباسفيان مقبلاً - على حمار و معاوية يقود به و يزيد يسوق به فقال (ص): لعن الله القائد و الراكب و السائق! و اليه اشار محمد بن ابي بكر في كتاب كتبه الى معاوية بقوله: و أنت اللعين ابن اللعين. و ذكر هذا الحديث

المیشمی فی مجمعه ج ۷ ص ۲۴۷: - و هكذا لعن رسول الله (ص) المتخلفين عن جيش أسامه بقوله (ص) لعن من تخلف عن جيش أسامه و قد ذكر هذه القصة كثير من المؤرخين.

باورقی

- [۱] احیاء علوم الدین ج ۳ ص ۱۲۲.
- [۲] عبدالرحیم صفی پور، منتهی الأدب و نیز رجوع شود به لسان العرب.
- [۳] عبدالرحیم صفی پور، منتهی الأدب و نیز رجوع شود به لسان العرب.
- [۴] عبدالرحیم صفی پور، منتهی الأدب و نیز رجوع شود به لسان العرب.
- [۵] احیاء علوم الدین ج ۳ ص ۱۲۲ و ص ۱۲۳.
- [۶] جامع السعادت ج ۲ ص ۲۸۲.
- [۷] الانعام آیه ۱۰۸.
- [۸] صحیح بخاری ج ۱ ص ۱۹.
- [۹] سفینه البحار ج ۱ ص ۵۶۲.
- [۱۰] مسند احمد بن حنبل ج ۳ ص ۱۲۶.
- [۱۱] جواهر الکلام ج ۴۱ ص ۴۳۲.
- [۱۲] تذکره الفقها علامه حلی ج ۱ ص ۴۵۶.
- [۱۳] جواهر الکلام ج ۴۱ ص ۴۳۲.
- [۱۴] مکاسب محرمة ج ۱ ص ۳۲.
- [۱۵] جواهر الکلام ج ۲۲ ص ۶۰.
- [۱۶] نهاییه ابن اثیر ج ۲ ص ۳۳۰.
- [۱۷] تفسیر کبیر ج ۱۳ ص ۱۴۰.
- [۱۸] اصول کافی ج ۲ ص ۳۶.
- [۱۹] مستدرک الصحیحین ج ۳ ص ۱۵۳ و خصائص انسانی ص ۳۶ و الأمامه و السیاسیه از ابن قتیبه ج ۱ ص ۱۲.
- [۲۰] مستدرک الصحیحین ج ۳ ص ۱۵۳ و خصائص انسانی ص ۳۶ و الأمامه و السیاسیه از ابن قتیبه ج ۱ ص ۱۲ و اینجانب اکثر این موارد را مستدل در کتاب خود بنام النصوص و الأدله آوردم.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید
 بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی
 آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
 بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

